

تاریخ: ۱۳۸۰/۹/۱۴

محسن کدیور: اگر کسی گفت باید دینداریت را اثبات کنی، بویی از دین نبرده است

مراسم مذهبی معنوی احیای شب‌های قدر، شب گذشته در کانون فرهنگی توحید با سخنرانی حجت الاسلام دکتر محسن کدیور و انجام مراسم خاص دینی برگزار شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران حجت الاسلام کدیور، استاد دانشگاه تربیت مدرس، در ابتدای این مراسم ضمن اشاره به جایگاه و مقام و منزلت شب‌های قدر در قرآن کریم، گفت: مجموعه صفاتی که در آیات شریف ابتدای سوره دخان (سوره‌ی ۴۴ قرآن) و آیات سوره قدر وجود دارد، شش نکته راجع به شب‌های قدر به ما می‌آموزد؛ اولاً شب قدر، شبی است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است، پس عظمت شب قدر به عظمت قرآن است.

وی ادامه داد: نکته دوم این است که این شب به لسان الهی، مبارک خوانده شده و دارای برکت می‌باشد، آنچنان که برکت یک شب آن از هزار ماه بهتر است. همچنین ؛ تفریق، تقدیر و اندازه‌گیری و تعیین سرنوشت و اندازه انسان‌ها و امور، وجود رحمت و دل‌بستگی به رحمت خداوند متعال (لَیْلَةُ الرَّحْمَةِ «نازل شدن ملائکه و روح، سالم بودن و همراه داشتن سلامتی تا صبح و مطلع الفجر) بویژه سلامتی روحی (معنوی) از ویژگی‌ها و صفات مذکور در شب‌های قدر هستند.

دکتر کدیور پس از ارایه این مقدمه به تشریح بحثی با عنوان “وجدان دینی” پرداخت و تصریح کرد: زمانی بود در حدود ۲۵ سال قبل، (پیش از انقلاب) همه می‌نالیدیم که” چرا منبرها و مجالس دینی کمتر به مسائل اجتماعی توجه می‌کنند” ولی امروز اجازه بدهیم بنالیم ”چرا کمتر به مسائل اصیل و ذاتی دینی توجه نمی‌کنیم” بی‌شک اگر مجموعه صحبت‌هایی که در جامعه ابراز می‌شود را تلخیص نماییم، مشهود خواهد بود که سهم ذاتیات و آنچه که وقعا دینی است در این مجموعه کمتر از بخش‌های دیگر است، پس چه شبی بهتر از شبهای قدر که تاملی دوباره در مسائل دینی‌مان بپردازیم و بپرسیم که چه کسی دیندار است.

وی به این سوال پاسخ گفت: غالباً اینگونه می‌توان گفت که دیندار کسی است که حداقل‌هایی را رعایت کند و ضوابطی را عقیده دارد که نوعاً گفته می‌شود ضوابطی اعتقادی و در احکام عملی و در اخلاق است که اگر این ضوابط را رعایت کردند به چنین فرد رعایت‌کننده‌ای اطلاق دیندار می‌کنند.

البته باید از جواب معروف و رایج فراتر رویم و بپرسیم مراد این است که ”دیگران چگونه دین دارند یا ما چگونه دین داریم”؟

جواب این دو سوال به شدت تفاوت دارد، زمانی که در مقام توضیح دینداری دیگران هستیم و زمانی که در مقام توجیه دینداری خودمان هستیم مساله کاملاً تفاوت می‌کند.

وی اضافه کرد: در مورد دینداری دیگران شارع مقدس قایل به تسامح و تساهل است و در پاسخ به سوال دوم، بسیار سختگیر است. درست بر عکس ما وقتی ما نگاهمان به دینداری دیگران است، مو از ماست می‌کشیم . وقتی نگاه به دینداری خودمان است، نوعاً اهل بخشش و گذشت و تساهل و تسامح هستیم.

کدیور گفت: وقتی می‌گوییم دیندار چه کسی است؟ جوابی که داده می‌شود، آنجا مراد دینداری دیگران است، نه دینداری خودمان.

این تامل و تفکیک بین خود و دیگران، وقتی همیشه می‌خواهیم خودی و غیرخودی را تعریف کنیم، هر دو در حوزه دیگران است. تا کسی خود را نشانسد نمی‌تواند وارد حوزه دیگران شود، چه به اصطلاح سیاسی اجتماعی خودی باشد چه غیرخودی.

استاد دانشگاه تربیت مدرس تاکید کرد: وقتی می‌خواهیم در زمینه حوزه دینداری دیگران سخن بگوییم، باید با تساهل و تسامح فراوان، حکم به دینداری دیگران کنیم، همه دیندارند و اصل دینداری دیگران است و بی‌دین بودنشان احتیاج به دلیل دارد. این همان اصل برانتهی است که قاطبه علما آن را پذیرفته‌اند. پس اگر قرار شد بدانیم دیگری (مسلمانی) بر اسلامش باقی است یا نه، اصل این است که باقی است و خارج شدن او دلیل می‌خواهد. کسی که ادعای مرتد شدن مسلمان، لایابالی شدن و خروج از دینداری مسلمان را دارد، او باید اقامه دلیل کند، نه برعکس.

اگر کسی گفت باید دینداریت را اثبات کنی، بویی از دین نبرده است. در دینداری دیگران، تنها اینکه خود را مسلمان بدانند کافی است، لازم نیست ما آنها را مسلمان بدانیم. همین که خود را جزو طایفه دینداران بدانند، چون خدا بنا را بر ورود همگان نهاده است، تا هر که خود پسندیده است که دیندار تلقی شود، دیندار باشد و از مزایای دینداری بهره و استفاده ببرد.

برای ورود به دینداری، دو شهادت کافی است. شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اسلام؛ پس مسلمانی، اقرار به زبان است و عدم تاجر به علایم نامسلمانی و فسق و صرفاً علایم بی‌دینی را بروز ندهد، ولی اینکه در عمل چه هست و چه نیست، هرگز در مسلمانی افراد شرط نیست.

دینداری دیگران، دینداری حقوقی و فقهی است و لذا به حداقل‌هایی از اعتقاد، همانقدر که به زبان می‌آید و حداقل‌هایی از عمل، همان که به خلافش تاجر نمی‌کند، کفایت می‌کند. این فرد اگر بمیرد در قبرستان مسلمانان دفن می‌شود، اگر کسی خونش مباح بود با این شهادتین که گفت به لحاظ فقهی محقون‌الدم و محفوظ‌الدم است و جانش محفوظ است. او وارد حوزه ایمان شده و امنیت دارد. استاد دانشگاه تربیت مدرس گفت: اگر کسی از حداقل اعتقادات، ایمان و عمل بیشتری برخوردار بود به‌هیچ وجه به او حقوق و امتیازات بیشتر تعلق نمی‌گیرد، ویژگی علی(ع) هم این بود که هرگز ایمان و جهاد را ملاک امتیازات اجتماعی قرار نداد.

به گزارش خبرنگار ایستا، دکتر محسن کدیور در ادامه سخنرانی خود با عنوان ”وجدان دینی” در کانون فرهنگی توحید تاکید کرد: آنها که به راه علی(ع) می‌روند، بدانند اولین شرط عدالت علوی این است که با همه شهروندان آنچنان که علی(ع) رعایت می‌کرد ، برخورد کنند، چنانکه عدالت را در اینجا دقیقاً به معنای تساوی به کار می‌برد.

در بیت المال علی(ع)، چه آنکه سال‌ها سابقه حضور و جهاد در رکاب پیامبر داشت، از همان امکاناتی برخوردار بود که دیگران ، علی(ع) هرگز نگفت هر که دیندار تر است به او بیشتر می‌دهم.

وی افزود: شکم دیندار و بی‌دین یک مقدار جا دارد . ما نیامده‌ایم با دین افراد در دنیا معامله کنیم.

جبهه رفته‌اند، برای خدا رفته‌اند، لذا ثوابشان را از همان که برای او رفته‌اند دریافت خواهند کرد، اما در جامعه با هر کسی متناسب با حقوق شهروندی او باید مواجه شد، نه کمتر و نه بیشتر . اینجا علی بن ابیطالب هرگز ایمان شما را ملاک بهره وری از امتیازات بیشتر اجتماعی قرار ن داده است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود یادآور شد: آن چه در روابط اجتماعی موقفیم رعایت کنیم، صرفاً حداقل است و آنچه از خودمان انتظار داریم، حداکثر است و باید چیز بیشتری از خود بطلبیم. (در دینداری) کسی می‌تواند در حوزه (دوم) دینداری خود) دیندارتر باشد که داور دینی قوی‌تری داشته باشد، یعنی هر کاری که خواست بکند، هر چه خواست بگوید، دغدغه دین داشته باشد، مردمان از دین صرفاً ظواهر فقهی نیست، یعنی دینی بودن به‌معنای خدا پسندتر بودن. می‌توان ظاهر عمل را کاملاً منطبق بر ضوابط فقهی کرد اما عمل خدا پسندانه نباشد. خداپسندانه بودن عمل، امری فراتر از رعایت مسایل حقوقی و فقهی است، پس دیندار کسی است برای خود دغدغه دین داشته باشد یعنی هر گفتار و رفتار و منشی و روشی را با دین بسنجد. این داور، داور درونی است. بیرونی نیست . این قاضی در جان ما حضور دارد. از او هیچ چیز را نمی‌توان پنهان کرد و این قاضی نیاز به شاهد و بینه ندارد.

این قاضی ”وجدان” ما است. دینداری ، وجدان دینی.

کدیور گفت: محاب وجدان دینی کسی است که بتواند تمرین و ممارست برای داشتن زندگی مومنانه در خود ایجاد کند. این زندگی، این وجدان یک شب حاصل نمی‌شود، صرفاً با دانستن و حتی باور داشتن هم حاصل نمی‌شود باید در تلاطم مشکلات و مایل مختلف زندگی قرار بگیرد و تمرین کند تا بتواند در مقاطع حساس، تصمیم صحیح بگیرد.

وی خاطر نشان کرد: اقامه‌ی دین ، لزوماً در اقامه شریعت خلاصه نمی‌شود بلکه در زندگی مومنانه آحاد جامعه ، تعبیر می‌شود. اگر توانستیم جامعه‌ای بسازیم که آحاد آن دارای وجدان دینی باشند، دین داور اعمال و رفتار و گفتار آنها باشد و سبک و روش و منش آنها مومنانه باشد ، آنوقت می‌توانیم بگوییم دین اقامه شده است. چطور می‌توان صرفاً با اقامه یک مجازات دینی، جامعه را دینی کرد؟! همسایه‌های ما، مثال‌های بسیار مناسبی هستند. سالهاست که این حدود را اقامه می‌کنند، اما انصافاً می‌توان جامعه آنها را دینی نامید؟! آیا وجدان دینی جامعه آنها بیدار است؟! آیا دغدغه دین کار خودش را می‌کند؟...

کدیور در انتهای سخنرانی خود در پاسخ به سوال یکی از حضار راجع به مسوولیت حکومت در قبال دینداری مردم گفت: اگر حکومت‌ها به‌ویژه آت‌هایی که سبقه دینی هم دارند، وارد حوزه دین مردم شوند و بخواهند جامعه را دینی کنند، به دو صورت ممکن است: اگر مرادشان از دینی کردن جامعه، اقامه شعائر دینی، اجرای مناسک و ظواهر دینی باشد، امری ممکن است اما لزوماً به بازسازی وجدان دینی جامعه منجر نخواهد شد. مردم زمانی دیندار می‌شوند که خودشان بخواهند نه زمانی که دیگران برایشان تصمیم بگیرند. وقتی قرار شد حکام مردم را دیندار کنند، تنها چیزی که حاصل می‌شود این است که قیافه‌های مردم متشبهانه می‌شود، اعمال و عبادات ظاهری اجرا می‌شود، اما لزوماً ایمان تقویت نمی‌شود و وجدان ارتقا نمی‌یابد. اگر حکومتی واقعا به دنبال ارتقای دینداری مردم است باید شرایطی ایجاد کند که مردم بتوانند آ‌رادانه دینی را برگزینند. این حکومتی مطلوب است. مهمترین ویژگی حکومت‌های آر‌اد همین است که در آن هم مومن می‌تواند مومنانه‌تر زندگی کند و هم کافر می‌تواند کافرانه زندگی کند .تا در جامعه‌ای هر دو امکان نباشد، مومن هم، مومنانه نخواهد زیست اصولاً دین از مقوله قدرت بیرون است دین همانند عشق است عشق می‌باید فرد خود به صرافت بیافتد که عاشق شود، نمی‌توان با بخشنامه مردم را عاشق می‌کرد، نمی‌توان با دستور‌العمل مردم را دیندار کرد مردم بیشتر از آنکه به زبان حکام نگاه کنند به عمل حاکمان نگاه خواهند کرد. کاری کنیم که مردم رغبت زندگی مومنانه کنند، نه اینکه صرفاً همه بلندگوها در مقام تشویق مردم باشند، اما در عمل وقتی مردم رفتار و گفتار را که با هم مقایسه می‌کنند، با دیدن تفاوت بگویند اگر جدی بود اول خودشان عمل می‌کردند پس حتما مسئله جدی نیست.

استاد دانشگاه تربیت مدرس تاکید کرد: اگر حکومت‌ها می‌خواهند ایمان مردم حفظ شود بهترین راهکار این است که در امور دینی و دینداری مردم کمتر دخالت کنند.